



توضیح نامه

توسط سارا لیستر و آدام بین

جون ۲۰۰۴

تجارت در حیطة قدرت: سیاست بازار آزاد در افغانستان

خلاصه موضوع

در طی دو سال اخیر، توجه پالیسی سازان در افغانستان برای رشد اقتصادی به مفهوم تزریق کمک های مالی بدون آنکه کاملاً ابعاد سیاسی این تغییر اقتصادی احساس و مورد توجه قرار گیرد، متمرکز بوده است. تا الحال، تمرکز تحقیق در مورد پالیسی اقتصاد سیاسی در افغانستان بالای سکتور نا مشروع مواد مخدر بوده است. هر چند، آنچه که تا حد زیاد اغماض گردیده، اینست که به چه ترتیب بازار های مشروع و در عین حال غیر رسمی فعالیت بوده و ارتباطات آنها با مسایل گسترده تر سیاسی و انکشافی چی قسم میباشد. نتیجتاً، در مورد سه محصول یا نتیجه زیان آور که چیگونه بازار (مارکیت) در افغانستان به کار انداخته شده، بطور وسیع غفلت صورت گرفته است: عدم دسترسی به اشتراک و سهم گیری در بازار (مارکیت) برای همه؛ عدم تقسیم مساویانه منافع میان سهم گیرنده گان، و میتود های نادرست موجود در بازار که دارای عواقب منفی بالای ساختار دولت و حکومتداری از نظر سیاسی میگردد.

عوامل فوق الذکر این پوتانشیل / توانمندی را دارند تا پروسه انکشافی افغانستان را از زیر بنا ویران تحت شعاع قرار دهد. پلان های بازسازی هم معیار با رشد اقتصادی این کشور بوده که این رشد اقتصادی بوسیله روند نو سازی سکتور های خصوصی بازار فرو پاشیده افغانستان ایجاد گردیده و توسط آنها پیش برده شده و در بازار آزاد افغانستان تنظیم یافته است. یکی از نگرانی های کلیدی در هنگام طرح پالیسی ها بخاطر تاسیس یک دولت قانونمند و شفاف بوده تا بتواند سکتور های خصوصی را حمایت و انکشاف دهد. بازار ها تا اندازه زیاد بنابر معاملات و داد ستد های مختلف در چیگونه رقابت میان قییم مواد و موثریت آن بر اساس عرضه و تقاضا، نقش مهم میداشته باشند.

این شیوه باعث محرومیت بازار از ابعاد وسیع آن شده است، و نیز استحکام بازار های غیر رسمی و نقش یا قالب های تجارت که در طی چندین سال فعالیت میکرد و بر اساس قالب های خوب تاسیس شده است، را نادیده پنداشته است. این جنبه های نحوه اجراءات مارکیت را که وابسته به وضعیت غیر از بازار است، را مورد غفلت قرار داده است که شامل تاریخ/سابقه و سازمان های غیر از بازار یا مارکیت میشود که با هم باعث محروم ساختن تعداد زیاد آنانیکه میخواهند از مزایای سهم داری مستفید شوند، میشود. این جنبه شامل ساختار های اجتماعی و اقتصادی، روابط جنسیت، مشخصات قومی و نقش های منطقوی

تجارت در حیطة قدرت

هدف این توضیح نامه اینست که از پالیسی سازان دعوت نماید تا متوجه مفهوم رشد و ترقی بازار (مارکیت) در افغانستان که نه آزاد، نه مساوی و نه شفاف است، باشند. درین توضیح نامه مطالب ذیل تحلیل و بررسی گردیده است:

محتویات

۱. چیگونه پیشبرد بازار ها (مارکیت ها)
۲. موضوعات کلیدی در سراسر بازار های افغانستان؛
۳. واقعیت منفی بازار های (مارکیت های) افغانستان؛
۴. راه های ممکنه برای جلو رفت.

برای تولید میباید. این نظریه نیز از پوتانشیل قالب های کنونی برای رشد اقتصادی چشم پوشی نموده تا ثبات سیاسی کشور را بر هم بزند.

تحقیق جدید این موسسه که بالای نحوه اجراءات و فعالیت های بازار صورت گرفته باعث به رقابت کشاندن دیدگاه های برتر در مورد نقش بازار ها در افغانستان میشود. این تحقیق^۱ نشان میدهد که توسعه اقتصاد غیر رسمی درین کشور بطور زیاد توسط بنیاد های غیر رسمی تنظیم یافته است که یقیناً "آزاد" نمیباشد. پیدایش قدرت تحرک اقتصادی این حقیقت را پنهان مینماید که مقررات غیر رسمی اجتماعی بطور فعال سهم گیری و رقابت را محدود میسازد. این کمبود در رقابت به این معنی است که توزیع منافع بازار (و البته از رشد اقتصادی) بطرف آنانیکه از قبل ثروتمند بوده اند و یا قدرت داشته اند، انحراف یافته است.

طروقیکه اکنون بازار یا مارکیت بر اساس آن فعالیت مینماید نیز بالای دولتداری سیاسی و ساختار دولتی اثرات منفی بجای میگذارد. از نظر مالی روابط مفید دو جانبه بین قدرتمندان سیاسی و تجارت بزرگ وجود دارد. معامله گران و تاجران امنیت شان گرفته میشود، از مالیات معاف میگردند، کربدیت داده میشوند و در بعضی سکتور ها (مانند ساختمانی) دسترسی به قرار داد های سودمند پیدا می نمایند. برای صاحبان قدرت، این ارتباط وسایلی را آماده میسازد تا سرمایه گذاری کرده بتوانند و تقلب کاری نمایند. تجمع منافع از بازار برای شان منابع را آماده میسازد تا قدرت های نظامی و سیاسی شانرا بیشتر تقویت نمایند.

ارزش این گرایشات و تمایلات در برابر عدالت اجتماعی، رشد بیشتر، ثبات سیاسی و حفاظت محیط قابل توجه و غور میباید. آموخته های کلیدی این تحقیق قرار ذیل مندرج میباید:

- رشد اقتصادی یک ضرورت است، و اما بازار به تنهای خودش آن منافع بیشتری را که از آن متوقع است تحویل داده نمیتواند
- از آنانیکه بازار های کشور را گرداننده گی مینمایند، حسابدهی بیشتر ضرورت میباید
- مداخلات اضافه تر و فعالانه دولت ضرورت است تا باعث رشد ۱. فرصت های بیشتر برای اشتراک در بازار و ۲. توزیع گسترده تر منافع، گردد
- برای یک استراتیژی همه جانبه و سیاسی ضرورت است تا بتواند قدرت آنانی را که طریق سلاح و فعالیت های غیر مشروع بالای بازار کنترل دارند، محدود سازد

این تحقیق نشان میدهد که گسترش اقتصاد قانونی عمیقاً توسط سازمان های غیر رسمی رسمیت یافته است که یقیناً "آزاد" نمیباشد.

به روشی که اکنون بازار (مارکیت) فعالیت می نماید نیز اثرات منفی بالای حکومت داری سیاسی و ساختار دولتی دارد.

۱. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان این تحقیق را بالای سه بازار انجام داده است، ساختمانی، قالین و کشمش که توسط بانک جهانی تمویل گردیده است، نظریات و عقایدی که درین جا مطرح شده است، یقیناً نمایانگر نظریاتی بانک جهانی نمیباشد، بطور مجزا این مطالعات موضوعی درین موسسه موجود میباید، و نیز میشود که از سایب موسسه www.areu.org.af کاپی گردد.

۱. چیگونگی پیشبرد بازارها (مارکیت ها)

گروپیکه بر اوضاع حاکم اند، میتوانند از فضای موجوده بهره ببرند، بناً میلی ندارند، که سرمایه های شان در معرض خطر قرار گیرد.

چی نوع معاملات را انجام میدهند؟

تاجران بزرگ و تاجران متوسط بالای جنس های متعدد معامله مینمایند، در یک محوطه معینه، بازیگرانی که در وسط زنجیر اجناس قرار دارند (نه تولید کننده گان اولیه و نه هم خرده فروشان) قصد دارند عین چیز باشند. تاجران بر اساس مسایل تقاضا، قیمت و مسایل فصلی به تجارت قالین یا تجارت کشمش و یا تجارت مواد ساختمانی و شاید هم تجارت تلویزیون و کود کیمیاوی، مصروف میباشند. این چنین جنبه های تجارت در افغانستان باعث نفوذ و غلبه تعداد محدود تاجران میگردد. و نیز کمبود سیستم رسمی و قانونی مالی را انعکاس میدهد، (صادر کننده کشمش ممکن دیگر مواد را بخاطر برگرداندن پولش وارد نماید) و نیز مسایل مخاطر و فصلی را انعکاس دهد!

مرتبط به این موضوع، خطوط بسیار تیره بین مارکیت ها و فعالیت های مشروع و نا مشروع وجود دارد. بسیاری از تاجران، ولو اینکه آنها اصولاً به فعالیت های مصروف اند که میشود به شکل رسمی و مشروع در آورده شوند، دارای سابقه کاری اند که سرمایه های کنونی شان از فعالیت های غیر قانونی گرد آمده است. هر چند تاجران، خود به چنین فعالیت های غیر قانونی اقتصادی دخیل نباشند، اما با آنان در روابط خوب اند که ایشان به اینچنین کارها دست دارند چراکه این گروه اخیر معمولاً کسانی اند که مسیر های مواد و سیستم ترانسپورت را کنترل مینمایند.

معاملات چگونه صورت میگیرد؟

اکثریت معاملات بر اساس ارتباطات شبکه های اجتماعی و داشتن مشتری های شخصی صورت میگیرد. این ارتباطات بر اساس مخلوط یک تعداد فکتور ها است که شامل ارتباطات فامیلی، قومی، تاریخ مشترک، و ایدئولوژی مشترک مذهبی میباشد. طوریکه بعضاً اصول افغانی ادغان دارد، بساده گی آنها بر اساس اصول فامیلی استوار نمیشوند.

تحقیق و مطالعه این موسسه بروی سه بازار جداگانه صورت گرفته است؛ **بازار مواد ساختمانی، بازار قالین و بازار کشمش.** و موارد اساسی را که بر اساس آن این بازارها فعالیت مینمایند، قرار ذیل تشخیص گردیده اند:

چی کسانی معامله مینمایند؟

سقوط طالبان توانست که یک تفکیک قطعی را با گذشته گانش از نظر شرایط راه های اقتصادی، طرحها و اشکال اقتصادی و دست اندر کاران امور اقتصادی ایجاد نماید. عین تاجرانیکه پایگاه های قدرت شانرا از سالهای ۱۹۷۰ به اینطرف در بازارهای پاکستان انکشاف داده اند و در دوران مجاهدین و طالبان نیز تجارت داشتند، اکثریت آنها میباشند. که در حال حاضر هم بالای تجارت افغانستان مسلط میباشند. هرچند که تعدادی از آنها جدیداً به کشور برگشته اند. اساساً این حاکی از تغییر موقعیت آنها میباشد، نه اینکه کدام بازیگران جدیدی در صحنه داخل گردند.

نسبتاً این گروپ کوچک معامله گران بالای فعالیت های عمده اقتصادی در افغانستان حاکم میباشند. از طریق میکانیزم ها و پروسه های گوناگون، فعالانه دیگر رقبای شانرا محروم نموده و خود را در جای قرار میدهند تا از سکتوری که کار مینمایند بهترین استفاده و بهره مندی را ببرند. تکنیک یا روشهای اساسی که از آن استفاده مینمایند عبارت اند از:

- دست کاری در قیمتها از طریق وسایل مختلف
- مالکیت بر سرمایه (در زمانیکه برای دیگران کربدیت موجود نیست) و توانائی قرار دادن احکام شان از طریق پول
- نفوذ سیاسی و
- سطح کاملاً بلند یکپارچگی در سطوح فوقانی این زنجیر، (به این معنی که شرکتهای شان مالکین دیگر کمپنی ها و عرضه کننده گان خدمات میباشند با آنانیکه معامله مینمایند

برگشت سرمایه گذاری های بعدی در افغانستان با فضای موجود معاملات و تجارت کنونی تحت فشار قرار گرفته است. بسیاری از عودت کننده گان چون میدانند که فقط آن

اولیه قرار داشته که نفوذ و تطبیق عملی آن ضعیف بوده و حتی در بعضی ولایات هیچ قابل رویت نمیباشد.

علاوه برین، آگاهی های کم و کمبود معلومات در مورد مسایل چون مالیات و تعرفه باعث ایجاد یک اندازه اضطراب شده و همچنین سبب ایجاد نا رضایتی های در بین شرکتها و تاجران خوردتر گردیده است.

از نظر مکانی معاملات دارای کدام طرحها و اشکال است؟

بعضی از بازارها وسیعاً به طور ملی فعالیت مینمایند، (بدینگونه که گرایش را بسوی منطقوی سازی رژیم طالبانی برگشت میدهد.) و نیز فعالیت های زیاد اقتصادی وجود دارند که در مراکز تمام ولایت و ولسوالی های شمال کشور معمول است (در ساحاتیکه کار ساحوی این تحقیق انجام یافته است) و نیز شواهد تخصص سازی بعضی فعالیت های اقتصاد در بعضی نقاط وجود دارد، قسمیکه مراکز قالین بافی در شمال کشور این موضوع را نشان داده است. از نظر مکانی طرحها و اشکال تجارت و معامله بر علاوه مشخصات قومی مرتبط است با مراکز جغرافیای رشد و قدرت.

قسمیکه تحقیقات در دیگر ساحات نشان میدهد، چنین شبکه های باعث آماده کردن معلومات، جریانات منظم تجارتي، اعتبار تجارتي و اشتراک گذاری خطرات اقتصادی، میشود.

در سراسر کشور، زبده ترین معامله گران، دارای روابط مستحکم مالی و شخصی با قدرتمندان هم در سطح ملی، ولایتی و محلی میباشد. چنین ارتباطاتی دو طرفه برای شخص تاجر، از دیدگاه تامین امنیت، معافی از مالیات و تهیه کردیت، (و در بعضی سکتورها مانند ساختمانی) تهیه قرار داد های منفعتی، از نظر منافع با اهمیت بوده و همچنان برای قدرتمندان، از دیدگاه مساعد کردن زمینه و وسایل برای سرمایه گذاری، پوتانشیل و نیرو برای سئو استفاده ها، و بطور کلی برای تقویه نفوذ بر روابط نظامی، اقتصادی و قدرت سیاسی با اهمیت میباشد. اغلباً قدرتمندان نیز بالای مواد اولیه چون آب و اراضی در افغانستان کنترل و حاکمیت دارند.

مارکیت ها چگونه تنظیم گردیده اند؟

با وجود تعریف متداول "غیر رسمی" آن، مارکیت ها زیاد تر با اشکال غیر دولتی مقررات تنظیم یافته اند. بسیاری این مقررات در اصول و نورم های اجتماعی و ایدئولوژیکی و سازمانی مندرج گردیده اند. بطور مثال، مطالعه قالین بافی بطور مشخص اساسات تولید و عرضه را از حیث جنسیت (زن/ مرد) مشخص مینماید، باینکه زنان منحصت تولید کننده گان تسلط میداشته باشند ولی در سراسر این پروسه نا دید گرفته شده اند. زنان در تمام بخش های آن دو سکتور دیگر غایب بوده اند.

کوشش دولت بخاطر تنظیم فعالیت های مارکیت یا بازار افزایش یافته است، طور مثال، استعمال و پذیرش قانون مالیات و تعرفه که جدیداً صورت گرفته است، و تنظیم هماهنگی های سکتور های خصوصی در بین وزارت خانه های مختلف میباشد، هر چند که چنین دخالتهای هنوز در مراحل

۲. موضوعات کلیدی در سراسر بازار های افغانستان؛ تشریح سه سکتور جداگانه

- تمایل دومی مربوط میشود به نوعیت کمپنی های که مقدمتاً ازین قرار داد ها به شکل قرار دادی منفعت میبرند، میباشند. درینجا دو گروه اند که منفعت میبرند، یکی آن شرکتهای افغانی هستند که معمولاً ارتباطات قوی و مستحکم سیاسی با یک و یا چند تن از اعضای کابینه دارند؛ و گروه دوم شرکتهای غیر افغانی مخصوصاً ترکی ها، ایرانی ها، چنائی ها و پاکستانی ها میباشند.
- چندین دلیل وجود دارد که کمپنی های نسبتاً کوچک افغانی حتی از قرار داد پروژه های به ارزش ۲۰۰ هزار دلاری هم محروم مانده اند که این شامل فقدان مواد ذیل میشود:
 - داشتن تجارب و مهارت های تخنیکی
 - داشتن ماشین آلات سنگین به اندازه کافی؛ یا توانائی خریداری چنین دستگاه های از طریق کریدیت
 - تامین امنیت مالی و دیگر شکل های مشخص شده امنیتی
 - ارتباطات موجوده قبلی با قرار دادی های خارجی، برخلاف بسیاری از شرکتهای افغانی
- یقیناً، این یک وضعیت افزایش دهنده محرومیت میباشند. طوریکه یک تعداد شرکتهای سعی برین دارند که نفع ببرند، آنها این توانائی را دارند که رشد نمایند و دیگران را از بازار محروم سازند.
- سومین تمایل که زیادتیر مورد بحث قرار گرفته است و نیز سخت است اثبات شود، عبارت از درک افزایش در فساد میباشند که مرتبط به اعطای قرار داد برای قراردادی ها در سراسر زنجیر میباشند. با اینکه تعداد قرار داد ها زیاد شده و بیشتر تحت انحصار قید میشوند، و با موجودیت فرصت های کم برای آنده شرکت های که میخواهند منفعت ببرند، باعث میشود تا رشوه خواری نیز افزایش پیدا نماید. مطمئناً ادعا های فراوانی وجود دارد مبنی برین که مبالغ بسیار هنگفت دست بدست میگردند، شامل مبالغ است که به کارمندان بین المللی
- **الف: تجارت ساختمانی : یک سکتور روبه رشد که توسط انحصار سیاسی کنترل میگردد**

سکتور فعالیت های ساختمانی در سراسر شهر های افغانستان بطور شدید در حال رشد و ترقی میباشد. که شامل چهار نوع عمده امور ساختمانی میگردد:

 - پروژه های اساسی نظامی؛ درحال حاضر پایگاه هوایی بگرام و یا ساختمان های ناتو در دلارام
 - پروژه های باز سازی دولتی که توسط دونه ها تمویل گردیده؛ که شامل یک تعداد پروژه های بزرگ میشود، مانند پروژه بازسازی سرک قندهار - کابل که جدیداً به پایه اكمال رسیده است
 - ساختمان های بزرگ خصوصی و تجارتي؛ مانند خانه های زیبا که از پول مواد مخدر ساخته شده و دیگر مارکتهای بزرگ
 - انکشاف دیگر ساختمانهای مسکونی و کوچکتر

اگر چه هنگامیکه در شهر های افغانستان سفر شود، پروژه های مربوط کتگوری های سوم و چهارم بیشتر قابل دید میباشند، فعالیتهای ساختمانی در دو کتگوری اول و دوم (مخصوصاً پروژه های نظامی و نیز پروژه های عمده دولتی، مانند سرکسازی) در حقیقت از نگاه ارزش فعالیت های ساختمانی سکتور خصوصی را توسط احکام های پر قدرت کاهش میدهد.

مشخصاً پنج گرایش/تمایل در روند تجارت ساختمانی با اهمیت تقوی میگرددند:

 - مهمترین تمایل عبارت از کاهش جمعی تعداد بازیگران در فعالیت های امور ساختمانی میباشد، که اصولاً برخواسته از نگرانی های امنیتی میباشد. بدین ترتیب که تعداد قرار داد هاییکه توسط سازمانهای خارجی برای قراردادی ها اعطا میگرددند از نظر تعداد کم و اما از نظر ارزش پولی بسیار بلند میباشد که یک محدوده وسیعتر ارایه خدمات و فعالیت ها را تحت پوشش قرار میدهد.

کشور میباشد، این گفته را حمایت نمیکند. در حالیکه قابلیت های بیشتر قالین بافی افغانستان در دیگر جاها در جریان سال های جنگ و بی ثباتی نقل مکان نموده است، این یک واقعه استثنائی و غیر عملی نبوده است، که اکنون ضرورت به دو باره شروع شدن تولید قالین میداشته باشد. اما در عوض، یک قسمت یک تغییر شکل صنعت قالین بافی بوده است. که از سال ۲۰۰۱ به این طرف به اندخوی برگشته است، که منجر به رشد سریع شده ولی توزیع مواد تولیدی ناکافی میباشد.

این سی سال اخیر، یک دوره بوده که نقش تولید قالین و استفاده مواد سنتی و محلی و خانه گی کاهش یافته است، رشد استفاده پشم های بی کیفیت تنیده شده ماشینی که از خارج افغانستان وارد میگردد در روبروئی وضع اشکال تولید و نوعیت نقش های تولیدی توسط بازار های قالین بین المللی که تاجران افغانی کلیدی نیز با آنها در ارتباط اند، پیوسته میباشد.

قسمتاً بخاطر تجارب از مهاجرین و دوران خشکسالی ها بسیاری از خانواده ها به طرف قالین بافی یا به طور اشتراکی و یا به شکل روز مزدی روی آوردند، که باعث توسعه تولیدات شده اما برگشت بسوی کارگری کاهش یافته است. اگر چه اوضاع از سال ۲۰۰۱ به این طرف بهبود یافته است، اصلاً تغییرات ایجاد شده بالای ساختار بازار های قالین توانائی تولید کننده گان را برای خوبتر بحث مورد بازگشت آنها به مشاغل شان صورت گیرد، و نیز این ممکن باعث هدایت دادن بطرف یک فرسایش سیستماتیک مهارت های فنی و سنتی شود، هم از نظر دیزاین و هم از نظر اجراءات. یک تعداد تشکیلاتی کلیدی در بازار کنونی موجود است که این پروسه ها را به پیش میبرند:

۱. بطور روشن تولید مطابق جنسیت (مرد و زن) صورت گرفته است، که زنان درین پروسه یک نقش برجسته داشته ولی در بازار های که توسط مردان اداره میشود، این قابل دید نمیشود. رشد اقتصادی به خودی خودش، نمی تواند این غیر مساوات را که در ساختار های بازار موجود است، مورد بررسی قرار دهد.

۲. یک تغییر در ساختار پرداخت که باعث خرابتر شدن حالت در آمد بطرف کارگری میشود، بوجود آمده است. در حال حاضر اکثریت تولید کننده گان طوری کار مینمایند که یا

و داخلی موسسات خارجی و یا دواير دولتی و سیاستمداران پرداخت میگردد.

• وابسته به این، چهارمین تمایل عبارت از **افزایش کلی نظامی نمودن امور تجارت ساختمانی** میباشد. طوریکه از نظر امنیتی نگرانیهای وجود دارد، این باعث میشود تا مسلحانه از آنانیکه در پروسه فعالیت های ساختمانی مصروف اند، حراست صورت گیرد، بنأ نفوذ توافقات رسمی و غیر رسمی درین راستا با تهدیدات قدرت و نیروی مسلحانه همنوا خواهد بود.

• پنجمین تمایل عبارت از سطح بسیار پائین بررسی های دقیق چی مالی و چی تخنیکي از روند تطبیق پروژه قرار داد شده میباشد. این نتنها باعث افزایش بازپرداخت مالی برای آنانی میشود که کار های زیر استاندارد را انجام میدهند ولی نیز اجازه میدهد تا مواد بطور غیر مشروع خریداری گردد و کیفیت کاری نیز کاهش یابد، بدون اندک ترین ترسی برای جبران خساره.

تمام فکتور های فوق باعث نا آرامی های بین آنانیکه در فعالیت های ساختمانی مصروف اند، بوجود میآورد. از کارمندان بین المللی برای شرکت های افغانی، و نیز برای آنانیکه با مسایل بیشتر حکومتداری و سیاست اقتصادی نگران میباشد، این نا ممکن است تا اکثریت ادعا های فساد را در جریان دوره این تحقیق ملاحظه گردیده و یا بعضی هم ممکن توسط حسادت موسسات ناموفق در حصول قرار داد ها ایجاد شده باشد، را تشخیص داد. هر چند که فعالیت های ساختمانی یکی از کار های ناپاک در سطح جهان شناخته شده است، این درک گردیده است که یک تغییر قدمی از نگاه سطح فساد در کشور بوجود آمده است. بر علاوه، نگرانی های عمومی و عمیقی در باره اینکه چگونگی معاملات انجام میگردد، و چیزی معمولی است علایمی را ببینیم که بیانگر یک مافیا فعالیت های ساختمانی وجود داشته باشد که خیلی بطور باز و روشن و نزدیک به جنگجویان و وزرای کابینه بستگی میداشته باشند.

ب: بازار قالین: یک سکتور رو به رشد، اما مفادش برای چی کسی؟

یک نظریه کلی وجود دارد که باید بازار قالین تجدید حیات گردد، شواهد از اندخوی که یک منطقه تولید قالین در شمال

ج: صادرات کشمش: امور دفترداری و رشوه خواری در دولت، و عدم موجودیت کنترول یا حمایت از نظر کیفی

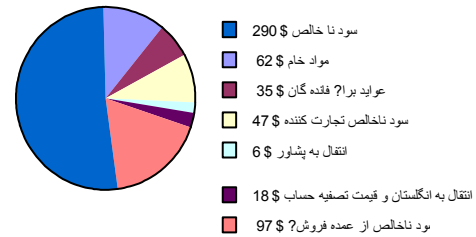
"ما کدام دولت نداریم، و هیچ توجهی هم در قسمت تجارت کشمش ندارند. مسئولین مالیات و در گمرک فقط بالای منافع خود شان جدی اند، ولی در مورد تجارت هیچ جدیت نشان نمیدهند. آنها مالیات گمرکی را از ما جمع آوری میکنند و بس" (این مصاحبه در مارچ ۲۰۰۴ با یکی از تجار کشمش در شهر مزار شریف صورت گرفته است.)

از نظر اقتصادی کشمش قسمت اعظم محصولات باغداری را در افغانستان تشکیل داده و از جمله مواد اولیه صادرات این کشور بحساب می‌رود. در جریان سال های ۱۹۶۰ تا به ۱۹۷۰ طوری که راپور داده شده صادرات کشمش افغانستان ۶۰ فیصد از مارکیت های جهان را تشکیل میداده است. ازینرو، احساس میشود که بازار میوه جات خشک افغانستان دارای قوه پوتانشیل بلند باشد، و دونه ها که صادرات میوه جات خشک را یکی از راه های رشد و ترقی افغانستان میدانند تمایلات قابل توجهی درین بازار نشان میدهند.

بطور عمومی، دولت بالای صادرات کشمش از دست دوری دارد، هر چند، که اختلاف بین سطح مقررات که دولت درین صنعت ایجاد مینماید و تجارب آنانیکه در تجارت کشمش دست اندر کار اند، وجود دارد. تجارب واقعی آنها، حد اقل در جنوب، آشکار میسازد که دولت هیچ کنترولی بالای بازار کشمش و انگور ندارد. هیچ نوع استاندارد و درجه بندی رسمی، کدام مقررات برای پاکاری کشمش، کدام بازرسی صحی، کدام کمک تخنیکی و یا از نظر مالی و پولی کدام حمایت خاص وجود ندارد. اقدامات درین زمینه مدد تقویت بازار صادرات مهم در افغانستان بوده میتواند.

و در عوض مصروفیت های کنونی دولت شامل کاغذ پرانی ها و جستجوی کرایه میشود (انتقال مواد و یا خدمات به نفع شخصی خود از طریق دست کاری به پالیسی ها). ساختار های مربوط به دولت وجود دارند که دستورالعمل های برای اشتراک در پروسه صادرات کشمش دارند و این موسسات همراه با دیگر ضروریات عمومی برای صادرات، بالای صادر کننده گان عمده یک مقدار موانع مهم را تحمیل مینمایند. هر چند که، شرکت صادرات کشمش

گراف اول: تفکیک عواید قالین ها؟ چوب رنگ



در منافع کدام سهمی داشته باشند و یا کارگری مینمایند، احتمال نمی‌رود که روی آوردن به کارگری حتی به بهترین وجه آن بیشتر از ۲۵۰ دالر تا به ۳۰۰ دالر سالیانه عاید داشته باشد. این در آمد در غرب بین ۶ تا ۱۲ فیصد آخرین قیمت خرده فروشی میباشد. این فقط کافی است تا تولید کننده گان را گذران نمایند نه اینکه ترقی و پیشرفت کنند.

۳. تغییراتی در نوعیت مواد تولیدی نیز بوجود آمده است، که درآمد را هم در طرحهای کارگری و هم تجارتی متاثر میسازد. قالین های که در آن چوب رنگ استفاده شده و توسط رنگ نباتات رنگ آمیزی شده و با نقش و نگار ها و طرح های مطابق فرهنگی غربی ساخته شده و از پشم های که بطور وافر از شرق میانه وارد میگردد در حال حاضر بالای بازار (مارکیت) کشور چی در ایجاد مشغولیت های کاری و چی در جلب و جذب کارگری مسلط میباشد. این چنین دیزاینهای هیچنوع ارتباطی با مهارتهای طرح و دیزاینهای کنونی ندارد، و در تحت شرایط کارگری تولید شده اند، تا اینکه ضروریات یکسان سازی را تحمیل نماید. بالای چنین قالین های در داخل بازار معامله صورت نمیگیرد، که هر نوع فرصتی را برای تولید کننده گان که بتوانند بطور مستقل جنس خود را بفروشند از بین می برد. در عوض، بازار چوب رنگ، توسط یک تعداد تاجران بزرگ که ارتباطات خارجی که در مارکیت های خارج از محل سنتی معامله مینمایند، بطور عمده کنترول میشود، از طریق تاکتیک ها و تسلط شان در بین بازار کاری میکنند که فرصت های رقابت برای تاجران کوچکتر دیگر کاهش دهند.

مورد راه های که در اطراف این مقرره وجود دارد، کاری بس مشکل میباشد. علی رغم این، تقریباً اکثر تاجران که در جریان این تحقیق مصاحبه گردیدند، اظهار میداشتند که ایشان آن چنین تصدیقنامه را دریافت نموده اند، و نیز وزارت زراعت و مالداري یک سند تصدیقی اندازه وزن مواد را برای صادر کننده گان آن، تهیه مینمایند.

در واقع یک تعداد اسنادی وجود دارد که برای صادر نمودن کشمش لازمی میباشد، که مخارج آنها نیز شاملش هستند، و احتمالات دیگر که ممکن مخارج "غیر رسمی" دیگری نیز در هر مرحله جداگانه به آن علاوه گردد، وجود دارد. قسمیکه با تمام پروسیجرهای مربوطه مراحل صادرات و واردات مواد، دقیقاً روشن نیست که چی مقدار مخارج و چی نوع پروسیجرهای برای تعیین این مخارج وجود دارد، و آنها تا چی حدی در سراسر کشور باهم متحد الشکل میباشند. در چوکات ذیل کلیه ضروریات یک تاجر و به شکل نمونه تمام مخارج وضع شده بالای آن محموله که از مزار شریف از طریق بندر حیرتان (ازبکستان) وارد گردیده، نشان میدهد که اینها شامل مالیات غیر رسمی نیز میباشد.

مالیات غیر رسمی نیز بالای تاجران در مراحل ابتدایی پروسه صادرات وضع میگردد، بطور مثال، بعضی وقت ها یک جنگجوی محلی مالیات را از شخص کشت کننده در محل جمع آوری مینماید. علاوهً یک تاجر ممکن مبلغ فیزی را برای قدرتمندان محلی زمانیکه مواد خود را به عمده فروشی در بازار میآورند، بپردازند. در شهر مزار شریف در حال حاضر این قیمت ۴۰ دالر فی تن تخمین گردیده است.

افغانستان و دیگر سازمان ارتقای صادرات میوه جات خشک - که یک عضو غیر منفعتی میباشد - و بشکل یک سازمان در وزارت تجارت موقعیت دارد میتواند که خدمات مفیدی را برای صادر کننده گان آماده سازند و کیفیت صادرات را تنظیم نمایند. دارای دفاتری در کابل میباشد که مجهز به یک لابراتواربست که توسط چاپان تجهیز گردیده است. و همچنین نماینده گی های آن در ولایات جلال آباد، قندهار و شهر مزار شریف وجود دارند. این دیپارتمنت بعد از اینکه مواد صادراتی را تست و امتحان مینماید یک تصدیقنامه که بیانگر کنترل کیفیت مواد مذکور باشد، را صادر میکند. این تست یا امتحان به مبلغ ۵۰ افغانی در هر متریک تن صورت میگیرد. علاوهً جواز صادر نمودن محموله مذکور را اعطاً میکند، هر چند که تقسیم وظایف بصورت دقیق فی ما بین سازمان مذکور و وزارت تجارت واضحاً روشن نمیشد، باز هم این ادعا صورت میگیرد که بازرسی های جداگانه هم در وقت بارگیری مواد و هم در وقت پروسیس نمودن مواد انجام میگردد. به مقداری که این خدمات بطور وسیع آماده شده، روشن نمیشد.

ریاست های وزارت زراعت و مالداري در ولایات نیز خدمات تصدیق صادرات کشمش را انجام میدهند. زمانیکه یک محموله برای صادر نمودن آماده است، این ریاست یک نماینده خود را برای ارزیابی مواد به کارخانه میفرستد. قسمیکه گفته شد قیمت تصدیق ارزیابی این اجناس از نگاه صحتی و بهداشتی ۵۰ افغانی میباشد. اگر چه تست های لابراتواری ندرتاً وجود دارد و یا اصلاً موجود نیست، تاجر مجبور اند تا یک تصدیقنامه از طرف این ریاست بدست آرند، بدون این تصدیقنامه گمرکات اجازه صدور آن محموله را از کشور نمیدهند. اگر چه قضاوت در

چوکات چهارم: مصارف که محموله کشمش یک نفر تاجر از شهر مزار الی بندر حیرتان در بر داشته است

سمت افغانستان

"مخارج دولتی"

- جواز تجارت که هر ساله باید به قیمت ۳۵۰۰ افغانی تجدید گردد. به این منظور یک سیستم جدید و آسان و شفاف در اپریل سال ۲۰۰۴ معرفی شده است.
 - تصدیقنامه ارزیابی بهداشتی و صحتی از وزارت زراعت و مالداری در دو یا سه نسخه، ۴۰ - ۶۰ افغانی؛
 - تصدیقنامه از موسسه صادر کننده کشمش، ۵۰ افغانی در هر تن؛
 - تکس مالیات، بطور موقت توسط فرمان رئیس دولت از بین رفته بود، ۲۴ ستمبر ۲۰۰۲ ولی ۰.۵ فیصد مالیات پس بطور موقت دوباره تحمیل شده است، که باید به حساب وزارت مالیه در بانک مزار شریف پرداخت گردد. بعضی صادر کننده گان شدیداً ادعا مینمودند که تا هنوز آنها ۲.۵ فیصد مالیات پرداخت مینموده اند،
 - جواز تجارت ۰.۱۸، فیصد قابل پرداخت برای وزارت تجارت،
 - مالیه عواید ۲۰ فیصد بر منفعت تاجر قابل پرداخت برای وزارت مالیه؛
 - مالیه فروشات ۲.۵ فیصد قابل پرداخت برای وزارت مالیه؛
 - دیگر مالیات اضافی مربوط دولت، و نیز مصارف دیگری که در محلات تلاشی پرداخت میگردد،
 - دیگر مالیات، بطور مثال، در شمال کشور، مالیه امنیتی، ۰.۵ فیصد قیمت بازار کشمش وضع میگردد، این مبلغ دوباره قابل پرداخت میباشد ولی چنین چیزی هیچگاه اتفاق نیافتاده است.
- علاوئاً، تمام رشوت و دیگر حمل و نقل مواد در بندر، فیس صادرات، حدوداً ۸ دالر امریکائی در فی تن سنجش شده است.

۳. واقعیات منفی در بازار های افغانستان

مبنی بر چهار دلیل اساسی موضوعات تحقیق شده درین گزارش با اهمیت میباشد:

موضوع عدم تساوی با انحراف مسیر منافع اقتصادی، خرابتر گردیده است

بر طبق یافته های این تحقیق، منافع که از رشد فعالیت های سکتور خصوصی عاید میگردد، همه بطور نا مناسب برای قدرتمندان و ثروتمندان (کسانیکه در طی این چند دهه اخیر جایگاه خود را مشخص ساخته است) بیشتر شده میرود. موارد هم وجود دارد که این انحصار طلبی میلی یا برای اشتراک گذاشتن آن منافع که انباشته اند دارند، و یا اینکه و یا میخواهد جای را برای دیگران باز بگذارد تا آنها هم بتوانند در جایگاه های شان مسلط شده و حاکم گردند.

بسیاری از کسانی که بالای اهمیت رشد و ترقی تاکید دارند، نیز برین باور اند که نه تنها از نظر کمیت این رشد و ترقی مهم است بلکه از نظر کیفیت نیز با اهمیت میباشد:

" آن نوع رشد و ترقی لازم است که بتواند شاخص های اجتماعی را بهبود سازد، (که سرمایه گذاری را در گرو سرمایه انسان انعکاس دهد) و نباید در توزیع عواید کدام زوال و یا تباهی را ایجاد نماید." ^۲

رشد و ترقی اجتماعی مساویانه عبارت از توزیع دوباره منافع اجتماعی و اقتصادی بین نسل های مختلف و گروپ های اجتماعی و کلتوری مختلف میباشد. ازین تحقیق و مطالعه چنین دریافت میگردد که فضای کنونی تجارت و معامله ممکن غیر مساوات را خرابتر نماید.

رشد و ترقی آینده منع قرار گرفته است

انکشاف سکتور های خصوصی منحیت راه کلیدی انکشاف اقتصادی در دراز مدت در افغانستان تلقی میگردد. هر چند که بحث ها روی فعالیت های سکتور خصوصی اغلباً بر اساس

^۲ سازمانهای بین المللی و تیسا. امن ساختن آینده افغانستان، مسیر های اجرایی و استراتژی برای جلو رفت، کابل. سازمانهای بین المللی و تیسا. ۲۰۰۴، ۷

کوتاهی درینکه روابط بین قدرت سیاسی و اقتصادی (در داخل و خارج از دولت مرکزی) بعضی وقت ها بطرف پنداشت های پالیسی سازان سوق داده میشود که ارتباطات ذاتی، دو طرفه و مثبت را میان رشد اقتصادی و دولتداری خوب مد نظر داشته و در رهنمایی روابط علل و معلول مسایل مختلف وضاحت میداشته باشد. واقعیات اقتصاد سیاسی افغانستان اینست که در یک دولت پیشرفته میتواند که باعث توسعه، زمانیکه دولت بهبود یابد توزیع منافع مساویانه اقتصادی نیز بهبود پیدا می نماید. رشد اقتصادی ملزوماً ممکن نیست که سبب توسعه و بهبود دولتداری سیاسی گردد. حقیقتاً جز اینکه تغییرات همزمان بالای راه های که مارکیت یا بازار مطابق آن منافع رشد اقتصاد توزیع میگردد، ایجاد نگردد، چانس تغییر دمکراتیک اساسی و افزایش امنیت بطور واقعی با رشد بیشتر اقتصاد کاهش خواهد یافت.

نتایج منفی محیطی و صحی وجود دارند

طرح و نقش فعالیت های سکتور خصوصی که درین تحقیق و مطالعه آشکار گردیده است واضحاً که اثرات منفی را بالای محیط دارد. از نگاه منابع طبیعی، کمبود مقررات واقعه نگاری، استخراج ریگ و تراکم و استفاده جنگل های دریا ها نگران کننده است. بر علاوه، کمبود در مقررات صنعت ساختمانی یکی از علل اصلی نگرانی ها میباشد، مخصوصاً که افغانستان در معرض زلزله قرار دارد.

گذشته ازین، مسایل زیاد صحی و ایمنی در اطراف محیط های کاری وجود دارد که در سکتورهای متذکره ایجاد شده اند. وضعیت تولید قالین میتواند که باعث مریضی ها و مشکلات زیادی گردد. مخصوصاً بالالتر نورضعیف و کیفیت هوا موجود. اکثریت بخش تولیدی، رنگ آمیزی پشم، شستشوی مواد تولید شده، میتواند باعث کثافت و ناپاکی طافت فرسا گردد. و همچنین مسئله کارگری اطفال نیز یک موضوع عمده است که باید مورد توجه قرار گیرد. مطالعه سکتور ساختمانی نیز نگرانی های مشخص صحی را برای آن کارگرانیکه در بخش صنعت خشت سازی کار میکنند، را مشخص نموده است. بطور عموم، جنبه های ایمنی و صحی ساحات جزئی کاملاً کنترل نشده اند، و کدام میکائیزی نیز نیست تا از مالکین سکتور خصوصی (کسانیکه از کرایه گیری این ساحات نفع میبرند) بخواهد تا تسهیلات و امور صحی اولیه را آماده سازند. تمام مسایل صحی و ایمنی محیط بطور نامناسب بالای فقرا اثر میاندازد.

فرضیات که مارکیت افغانستان باز است استوار میباشد، و تماماً آنچه که ضرورت است سنجش کارآفرینی ها در بین افغانها میباشد. اکنون در یک محیط که رقابتی وجود ندارد، تمام آن فرصت های آماده شده بروی همه گی باز نمیشد، ولی توسط کسانیکه بر آن دست دارند، تصرف گریده است که خود باعث ایجاد یک زمینه احساس خود محرومیتی میگردد. گزایشات کنونی در صنعت ساختمانی (که در فوق شرح شد) اینرا بخوبی تشریح مینماید.

دست اندرکاران مختلف (مارکیت) توسط فضای کنونی به اشکال متفاوت متاثر گردیده اند. برگشت مردمان معامله گر و سرمایه های شان به کشور یقیناً که تحت منع قرار گرفته است. علاوه، حالت رشد و ترقی آن معاملات کوچکتر و یا متوسط تر که نمیتوانند با فعالیت های بازیگران بزرگتر بازار میزان گردند و نیز نمیتوانند که تسلط آنان را از بازار از بین ببرند!

عین مسئله دسترسی به پول و تماس های مناسب نیز گروه های کوچکتر را که کوشش مینمایند به بازار راه یابند، تحت تاثیر خود قرار میدهد، اگر چه آنها به شکلی متفاوت آشکار گردیده است. بطور مثال، نو واردان با بازیگران موجوده در رقابت قرار دارند، تا پیشتیبانی لازم را از طرف مقامات رسمی دولت و دیگر قدرتمندان جهت حضور فزینی در مارکیت حاصل نمایند.

نقش طرح های موجوده کنترل سیاسی و نظامی تقویت شده و روند ساختار دولت تقلیل یافته است،

فعالیت های بازار افغانستان با مسایل اقتصادی بیرونی در ارتباط میباشد. بی امنیتی در سراسر کشور حاکم است، و خلع سلاح جنگجویان و ملیشه ها در کابل و دیگر نقاط توسط سیاست داخلی و خارجی مانع قرار گرفته است. کنترل نظامی و سیاسی توسط قومندانان منطقوی و محلی بکار برده شده، که توسط پشتیبانی های پولی که در منابع مشروع و غیر مشروع آمده حمایت گردیده است، که شامل تجارت خشخاش، مالیات گمرکی، مالیات از معادن در بعضی نقاط و مالیات غیر رسمی میباشد. آنچه که این تحقیق نیز تأیید مینماید آنست که تاجران بزرگ با جنگجویان روابط تنگاتنگ دارند، کسانیکه بطور مستقیم از قرار داد های بزرگ استفاده مینمایند و از تجارت قانونی و مشروع برای استفاده جوی های پولی استفاده مینمایند.

حاضر بعضی نشانه های وجود دارند که نماینگر این حقیقت است که مقررات توسط خود مردم که در امور تجاری دست دارند، ساخته میشوند.

کنترول فعالیت های تجاری بزرگ، توسط یک گروه کوچک از معامله گران که روابط مستحکم سیاسی و نظامی دارند به این معنی است که مقررات بالای مسایل محیطی به احتمال کم از طرف دولت صورت گیرد، بلکه بیشتر توسط اشخاص دست اندر کار در امور تجاری و معامله با حيله روی دست گرفته میشود. (بطور مثال، معافیت کنونی صادرات چوب) بر علاوه، در حال

۴. راه های ممکنه برای جلو رفت

ساخته است، مقابله و برخورد نمایند. مهم است که این اصلاحات را در چوکات وضع قوانین، مشروعی که شامل قانون رقابت، قانون خریداری و قانون کارگری میشود، ادامه داد.

فشار بالای بازیگران بیرونی تا از دست اندر کاران مارکیت تقاضای حسابدی و مسئولیت نمایند. این مخصوصاً در مواردیکه نقش بازیگران خارجی در ایجاد تقاضا مهم است، مطرح میگردد. مانند، پروسه بازسازی و عملیات های نظامی. بطور محکم باید فشار بالای این بازیگران خارجی تحمیل گردد، تا مطمئن گردند که نه تنها آنها از بازار رقابت باخبر ساخته شده اند که آنها بطور سهواً در حال اجبار آن باشند، ولی آنها بطور فعالانه در تقاضای حسابدی از دست اندرکاران مارکیت مداخله دارند. این بدون شک به علت کوشش ها و فعالیت های نظارتی که لازم است قیمت معاملات را بخاطر تقویت استاندارد ها افزایش خواهد داد. هر چند مداخله برای حمایت از یک سطح بیشتر ساحات کاری از دیدگاه رقابت، و نیز حمایت فعالانه برای بازیگران کوچکتر از طریق به مزایه گذاشتن قرار داد ها لازمی و ضروری میباشد. این نیز بخودی خود پیغام های روشنی برای دیگر بازیگران در مارکیت می فرستد.

کار با بازیگران خوردتر و متوسط تر. سومین دسته از فرصتهای که در بازار ایجاد میگردد و توسط سکتور های تولید کشمش و قالین با مثال روشن ساخته شده است. این سر آغاز کار با بازیگران کوچکتر و متوسط تر میباشد. مثلاً: دسترسی به کریدیت، ممکن آنها را توانمند نماید تا بیشتر موثرانه با بازیگران بزرگتر رقابت نمایند. مشخصاً کمبود در دسترسی به کریدیت یکی از شکایات مداوم فعالین کوچک و متوسط در سراسر بخش های که که در این مطالعه تحقیق شده است، میباشد. هر چند، آموزش از وفور تجارب در دخالت کریدیت بطور بین المللی، باید مواظب بود که باید گروههای تعیین شده باید آسانی

آیا تصویر بطور محدود متروک است؟ جواب منفی خواهد بود؛ علیرغم وضعیت ذکر شده، اقتصاد افغانستان در حال رشد و ترقی بوده که بطور آشکار نسبت به چند سال قبل اکنون افرادی زیادی در فعالیت های اقتصادی و تولیدی مصروف اند. بر علاوه، شواهد مشخص وجود دارد که بطور ساده و آسان بازیگران اصلی فقط متوجه کرایه گیری نمیشوند، شکل غیر رقابتی تعویض و تبادل، احتمالاً که قیمت معامله و ساختار مارکیت را کاهش دهد، و حد اقل در کوتاه مدت باعث زیان و خسار در روند رشد و ترقی اقتصادی نگردد. تمام شواهد برین است که حد اقل مارکیت قالین و امور ساختمانی در حال رشد بوده و میتواند بر تقاضا ها جوابده باشد. بناً بحرانی ترین سوالات عبارت از این است که چگونه میتوان بر اقتصاد اثر گذاشت تا اشتراک در مارکیت وسیع تر گردد، و توزیع منافع رشد و ترقی بطور پهن توزیع شده و غیر مساوات کاهش صورت گیرد.

مسئله کلیدی اینست که چگونه در مارکیت حسابدی بزرگتری را ایجاد نمائیم، و فرصت های را ایجاد کرده و توسعه دهیم تا برای تاجران کوچکتر هم فضای برای رقابت ایجاد گردد. یک گروه از فرصتها در سطوح مختلف با بازیگران مختلف وجود دارند، البته که نقاط دخولی برای هر سکتور و بخش از هم متفاوت میباشد، بعضی گام های عملی قرار ذیل میباشد:

تقویه اصلاحات کنونی دولت. کوشش های موجوده در روند اصلاحات شامل روش دولت در مالیات و تعرفه میباشد که به هدف ایجاد پروسه شفاف و روشن تا آنجائیکه مطابقت میداشته باشد صورت میگردد. این اصلاحات میتواند که همراه با میکانیزم های قبول شده عامه تاسیس شده و همگام باشد. تا اینکه اطلاعات بطور وسیع در مورد این اصلاحات پخش و نشر گردد. درین مرحله اول است که شهروندان معمولی قادر میشوند تا همراه با فساد که معامله و تجارت شانرا خراب

سازد تا به این استاندارد های دسترسی پیدا نماید. که وضعیت بازیگران خوردتر را نیز بهبود خواهد ساخت.

واقع گرائی. بدون شک این مشکل خواهد بود تا در کوتاه مدت بتواند روش های غیر رقابتی که بنابر علل دیرینه میباشد که در طرح ها و سیستم های پیچیده سازمان های اجتماعی بنا یافته و توسط دهه های جنگ و بی قانونی متاثر گردیده است، را یا بتوان کنترل نمود و یا از میان برداشت. بناً این ممکن مناسب باشد تا در کوتاه مدت و یا میان مدت به شکل های مقررات واقع گرایانه و غیر رسمی و نیز نفوذ آنها توجه جدی نمود. بطور مثال، طرح های ساده حفاظت محیط مانند کنترل جنگلداری که از طریق ساختار های جوامع به اجرای عمل گذاشته شده است، (طوری که در دیگر کشور ها نیز امتحان شده است) ممکن در کوتاه یا میان مدت این بهترین راهی برای تنظیم نمودن روش های مخرب تجاری باشد.

هر چند، بر مبنای اقتصاد سیاسی وسیعتر افغانستان، بعضی مسایل سکتور های خصوصی است که میشود منحیت یک قسمت از استراتیژی وسیعتر سیاسی عهده دار گردد. چنین استراتیژی میتواند که شامل خلع سلاح و اصلاحات سکتور امنیتی میباشد، کنترل عواید دولت و محدود سازی عواید نا مشروع و نیز استراتیژی ساختار دولت که میتواند قابلیت های دولت را بهبود بخشد تا بتواند نقش های خوب سیاسی و اقتصادی را به عهده گیرد.

باشند که بتواند از چنین مداخلاتی برای هم میزان شدن استفاده نمایند. آماده سازی این کریدیت باید بطور طرح و دیزاین گردد که غیرعدالت توسط نورم های مسلط اجتماعی و فرهنگی تقویت شود که تا هنوز قوی ساخته نشده است (مانند غیر مساوات در قومیت و جنسیت).

این نیز مهم است که کمک نمائیم تا انجمن های اشخاص معامله گر تشکیل شده و فعالیت های دسته جمعی بر انگیخته شوند، انجمن های که در راپور تشریح شده است، (انجمن های لاری های ترانسپورتی و انجمن توسعه صادرات کشمش و میوه جات خشک) همه به نظر میرسند توسط انجمن های که با وزارتخانه های دولتی روابط نزدیک دارند، ضعیف شده باشند. یا آنها بی جهت توسط قدرتمندان و یا کسانی که بفکر رشوه گیری میباشند تحت تاثیر قرار گرفته اند، و یا آنها از صحنه اخراج شده اند و بطور گسترده بی ربط میباشند، و قادر نیستند تا یک نقش اعمال نفوذ را بازی نمایند.

بناً مهم است که اطمینان حاصل نمائیم تا چنین **انجمنهای** بر اساس عضویت فردی بنا یافته باشد، و به شکل آزاد و دمکراتیک عمل نماید. عین چیز به تاسیس اتاق های تجارت نیز صدق میکند آنانیکه از دولت مستقل اند، تا آنها را قادر سازد تا بطور مشروع و شفاف در دولت اعمال نفوذ نمایند.

ابتکارات دیگر به مانند، تهیه معلومات بهتر قیمتها برای تولید کننده گان که میتواند برای شان کمک نماید تا تولید کننده گان خوردتر و متوسط تر بتوانند یک سهم عادلانه در آخرین قیمت بدست بیاورند. تاسیس استاندارد های کیفی پروسه تصدیق با ساختن قابلیت های تخنیکی تا امور معامله و تجارت را قادر

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک موسسه مستقل تحقیقاتی است که مطالعات و تحقیقات قابل تعمیل را انجام داده تا جهت تسهیل پروسه پالیسی سازی و فعالیت های اجرایی مورد استفاده قرار گیرد. علاوهً واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با جدیت بر آن است تا فرهنگ تحقیق را از طریق ارتقای ظرفیت های تحلیلی، ایجاد فرصت ها برای تحلیل و تجزیه اطلاعات و فضای بحث و گفتگو گسترش دهد. عمده ترین هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اینست تا در جریان فعالیت هایش، روند زنده گی مردم این کشور را بهبود بخشد. این واحد توسط جوامع کمک کننده تاسیس شده است و نماینده گانی از دونه ها، سازمان ملل متحد موسسات غیر دولتی و موسساتی که چندین کاره اند منحیت هیأت رؤسا در آن اشتراک دارند،

تمویل اصلی و کنونی موسسه توسط هیأت کمک کننده سازمان ملل متحد در افغانستان UNAMA و دولت های سویدن و سویزرلند، صورت میگیرد.

برای معلومات بیشتر و حصول نشرات با این موسسه تماس حاصل نمائید:

چهار راهی انصاری، (مقابل هتل انصاف و رستوران پاپولانو) شهر نو - کابل افغانستان

تلیفون: ۶۳۷ - ۲۷۶ ۰۷۰ ۹۳+ : سایت : www.areu.org.af آدرس الکترونیکی: areu@areu.org.af